



۲۰۱۶/۰۵/۲۱



ملالی موسی نظام

درخشش ملالی جویا در هالند به دفاع از زن مظلوم افغان زن افغان قرن بیست و یک، اسیر پنجه خشونت و مجازات ننگین بشری



بتاریخ ۱۴ ماه می امسال در سیمیناری که بر علیه خشونت بر زنان افغان، از جانب فیدراسیون پناهندگان در هالند برگزار گردید، حضور و درخشش «ملالی جویا» دختر مبارز و مدافع حقوق بشر و حقوق زن افغان که جسورانه صدای عدالت و بازخواست از جنایتکاران جنگی و عاملین جنگ های خونین و بریادی افغانستان عزیز را در همان اولین جلسه رسمی در زیر خیمه لویه جرگه اضطراری و البته به حضور عاملین آن رویداد های غیر بشری و کشتار های ملت سوز، با شهامت بینظیری بلند نمود، روح و معنی ای دیگر به مجلس ارزانی نمود. ملالی جویا که نام نامی و مبارزات بی باکانه، بی شایبه و وسیع وی چون مشعل درخشانی در راه مبارزه در راه حقوق بشر، عدالت خواهی و پشتیبانی متداوم و بی سابقه وی برای حقوق حقه زن و دختر افغان، ثبت تاریخ مملکت ما و ثبت صفحات مؤسسات حقوق بشر و انجمن های خیریه بین المللی گردیده است، به تائید ارتقاء قوس صعودی خشونت و علل روز افزون آن، در مجلس متذکره چنین آغاز سخن نمود:

" اگر چه رهایی زنان افغان از ستم، یکی از بهانه های مهم برای اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ بود، اما امروز بعد از گذشت ۱۵ سال بعد از آن تاریخ، باز هم شاهد آنیم که زنان افغانستان بیش از هر وقت دیگر تحت ظلم و ستم قرار داشته و در شرایط نهایت بحرانی بسر میبرند."

وی همچنان اضافه نمود: "حکومت تحمیل شده از خارج مخلوطیست از باند های مافیایی و ضد انسانی ترین گروه هایی که دشمنان پیشرفت و ترقی افغانستان می باشند."

درین جلسه ملالی جويا از شمه ای از جنایات و مظالم غیر بشری ای که اخیراً با قوس سعودی چنین اعمال و فجایع سخیف بر جامعه زن بی پناه و بی دفاع افغان در حالت بی عدالتی وسیع، در حال ازدیاد است اشاره نمود که در زمینه برای مثال، فاجعه مطلق غیر انسانی قتل « فرخنده نامراد و مظلوم ۲۶ ساله» و جنایاتی از قبیل سنگسار که اخیراً بر دختر بی دفاع دیگری بنام «رخشانه ۱۹ ساله» تعمیم گردید، شلاق خوردن شریں گل و تجاوز جنسی بر شکيلا و قتل یک دختر مظلوم بدست یکی از زور مندان، همه و همه مشتی از خروار مظالم و بیداد بر زنان و دختران مظلوم افغان بشمار می آید.

ازدیاد روز افزون خشونت و اعمال غیر اخلاقی و غیر بشری که ناشی از مظالم بی نهایت شدید و لجام گسیخته غیر قابل بازخواست بر کتله اناث خاموش افغانستان است، در پهلوی نبود امنیت و موجودیت یک حکومت مرکزی قوی و با اداره و البته سیستم اختراعی غیر عملی دو پادشاه در یک اقلیم می باشد، علل دیگری هم دارد که که حیات زورمندی مافیایی یک اقلیت، عدم وجود عدالت، برقراری فساد وسیع اداری که به هر بازخواست قانونی پرده سیاه میکشد و درین کشاکش، البته زن افغان منحصی «سنگ زیرین آسیا» بیشترین بی انصافی و عدالت شکنی را مظلومانه متقبل میگردد.

در حالی که قوانین طالبی را در مجموع در چنین عصری که تمدن بشری داد از برابری حقوق زن و مرد و انسان سالاری و عدالت میزند، به حکم اوراق رسمی «توشیح» شده ای بنام «قانون اساسی دولت اسلامی افغانستان»، رد می نمایم، بازگشت به عقب گرایی و پامال حقوق حقه نیمی از ملت افغان، جفائیت مدهش، دردناک و غیر قابل عفو و بخشش!

اینکه در راپور سالانه مؤسسات خیریه بین المللی در مورد تحمیل و تعمیم خشونت و مظالم منافی قوانین دولتی، مقررات حقوق بشر و نقض و پامال حقوق زنان افغان، یک قوس سعودی با فیصدی رو به تزاید نشان داده میشود، صرف احصائیه نسبی مناطقی است که این مؤسسات تا حدی به جریانات آن دسترسی داشته اند. حقیقت این است که در نواحی دور دست و حتی در اکثر چهار دیواری منازل، چه جنایاتی نیست که مخفی یانه یا علنی بر زن و دختر مظلوم وطن ما تحمیل نمیگردد که دقیقاً عدالت و بازخواست در تعمیم آن راهی ندارد!

سالانه هزاران دختر خرد سال به عنف و جبر به خانه مرد کلان سال و بیگانه ای فرستاده میشود و از همان روز اول با مظالمی که روی بشریت از آن سیاه میگردد، روح معصوم و بدن کوچکش با دردی جانکاه و وحشی، جبراً مواجه میگردد.

صد ها زن طفل اناث در بیرون منزل مورد حمله و تجاوز اطرافیان شناخته شده، در مناطق خویش واقع میگردد و بعضاً با وحشی گری ها با مرگ روبرو میگردد، کجاست اسلامیت، افغانیت و انسانیت کجا پنهان گشته است؟ عدالت و بازخواست و مجازات که تشکیلات و دم و دستگاه مسخره، ضعیف و بی کفایت عدلی افغانستان را با مصارف مبالغ سرسام آور شکل میدهد، گاهی راپوری در مورد توقیف چنین دد منشانی منتشر میکند ولی هرگز نمی شنویم که در کدام محکمه چنین جنایتکاران وطنی جلب شده اند و یا در کدام محبس و زندان مجازات گردیده اند. چنین است که با عدم تعمیم عدالت و انصاف، این قوس سعودی خشونت و مظالم روز افزون شکل میگیرد و نمو مینماید. کدام ملا و آخوندی که نکاح دختر صغیره را با جسارت می بندد، مورد بازخواست و مجازات عادلانه قرار گرفته است، کدام پدری که دختر خردسال را به شوهر بفروش رسانیده، مجرم شناخته شده و بالاخره

کدام شوهر ظالمی که همسر ناتوان و بی‌دفاع را تا حد قتل نفس شکنجه نموده و یا وادار به خودسوزی اجباری نموده، به عدالت سپرده شده است؟ مگر ورق پاره ای بنام «**قانون اساسی دولت اسلامی افغانستان**» در پهلوی حقوق و مزایایی که در متون گوناگون آن به طبقه اناث کشور قایل گردیده، سن قانونی ازدواج دختران افغان را ۱۶ سال تعیین نموده است که اینهمه صبل و دختر خردسال به خاناً مرد اجنبی ای با عنف، ارسال می‌گردد؟!

اولیای امور افغانستان هر سال به پشتیبانی «؟!» از ممالک دیگر، از «**روز منع خشونت بر زنان**» استقبال مینماید، کمسیون مستقل حقوق بشر هم با راپور «**نسبی**» ای میزان خشونت ها و مظالم بشری مردم ما را بر زنان و دختران مظلوم کشور به نشر می سپارد، فردای آن روز از نو، روزی از نو، چون نوشته ای بر یخ قصه دردناک



زن افغان، افسانه ای می‌گردد، تکراری و فراموش گشته.

بهرحال، «**قانون منع خشونت بر زنان**» که هفت سال قبل با موجودیت رخصتی پارلمان، از جانب حامد کرزی به شکل «**فرمان تقنینی**» رسمیت حاصل نمود، بعد ازین مدت طولانی باوجود عدم مراعات

عملی شرائط حقوقی و تأمین عدالت، اقلأً به شکل قانون تبارز نمود، هم چنان با ایجاد سر و صدا در ولسی جرگه بی خاصیت و فتنه انگیز و دقیقاً وابسته به قدرتمندان و جنایتکاران، با موجودیت وکلای اکثر غیر حاضر، معضله دیگری را بوجود آورده است. معلوم است که ثلث اعضای آن تالار جنجال آفرین را که زنان وکیل غیر مسئول و بی کفایت تشکیل میدهد، نه ترحمی بر هم جنسان دارند و نه وظیفه ای را منحیث نمایندگان ملت بردوش خویش احساس میکنند.

در راپور های سالانه کمیته های حقوق بشر، منجمله کمیته «**نظارت بر حقوق بشر**» و کمیته «**عفو بین الملل**»، هردو وابسته به ملل متحد و البته «**کمسیون حقوق بشر**» هم در افغانستان، قوس صعودی خشونت و مظالم بر زنان همواره در حال تزايد بوده و بی عدالتی و سیاست مصلحت گرایی درین زمینه مهم از جانب دولت و حکام آن در سرتاسر مملکت از علل اساسی این چنین جنایات بشری ارابه و تلقی می‌گردد.

در پایان، نتیجه گیری و اعلامیه اخیر مجلس مذکور را که در حضور ملالی جویا، شیر زن و مبارز بی نظیر حقوق بشر و حقوق زن در افغانستان در مورد خشونت و علل روز افزون آن بر زنان بی‌دفاع کشور در سرزمین ما، بیان گردید، از مضمون ارزشمند انجمن مهاجرین افغان در اروپا «**فارو**» که درین وبسایت ملی تحت عنوان «**ملالی جویا اینبار هم در هالند خوب درخشید!**» منتشر گردیده، یکبار دیگر ضمیمه این مضمون می نمایم:

به هالند کی همیشه افغانانو د ټولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در هالند

Federatie van Afghaanse Vluchtelingen Organisaties in Nederland



قطعه‌نامه سمینار

علل ازدیاد خشونت علیه زنان افغانستان:

قانون اساسی ۱۴ جدی ۱۳۸۲ به تبعیض رسمی دوران طالبان علیه زنان پایان داد و مساوات حقوق همه اتباع (اعم از زن و مرد) را رسماً تسجیل کرد. کشورهای غربی برای ارضاع افکار عامه خویش طبل تأمین حقوق زنان و تطبیق اعلامیه منع خشونت علیه زنان (مصوبه ۱۳۷۲ مجمع عمومی ملل متحد) و کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان در افغانستان را کوبیدند اما در عمل طی پانزده سال پسین، خشونت علیه زنان افغانستان، در دولت، جامعه و خانواده، ابعاد تازه ای یافته است. سنگسار، ازدواج اجباری، قتل ناموسی، مثله کردن، تجاوز جنسی، ازدواج کودکان، خشونت خانگی، سرکوب و خشونت دولتی، رشد فحشا، فقر، تبعیض، تعصب، ... و ده ها شکل دیگر خشونت است که در اوضاع کنونی، در همه جا با رسوا ترین و بیرحمانه ترین شکل هایش، همه روزه اتفاق می افتند. در این سال ها که ده ها کشور به افغانستان آمده اند، خارجی و داخلی دم از دموکراسی و حقوق و برابری زنان می زنند و پول های هنگفتی بخاطر تأمین حقوق زنان به کشور سرازیر گشته است، خشونت علیه زنان نه تنها کاهش نیافته بلکه گسترده تر و خشن تر شده است.

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در هالند (فافون) بتاريخ چهاردهم می ۲۰۱۶ سمینار علمی زیر نام " علل ازدیاد خشونت علیه زنان افغانستان " در شهر لایدن هالند برگزار نمود. در اخیر اشتراک کنندگان قطعه‌نامه را با مواد هفتگانه ذیل به تصویب رسانیدند :

۱. سمینار موجودیت خشونت رسمی و دولتی علیه زنان را ناشی از فقدان قانونیت و بی اعتنائی مقامات به حقوق زن در افغانستان دانسته محکوم میکند.
۲. رد قانون منع خشونت از جانب پارلمان افغانستان ثبوت روشن حاکمیت طرز تفکر ضد زن در دولت افغانستان است که مانع بزرگ رفع خشونت علیه زنان میباشد.
۳. خشونت مذهبی { مثل سنگسار و سایر جزا های بدنی } از طرف هر گروه و نهادی که باشد، با شدیدترین لحن رد و محکوم می گردد سمینار بی توجهی دولت به مجازات عاملین همچو اعمال را نقض قانون اساسی دانسته محم میکند.
۴. ازدیاد خشونت خانگی و اجتماعی با تشدید سایر مشکلات اجتماعی چون ادامه فرهنگ معافیت، بیکاری، اعتیاد به مواد مخدر، ترویج افکار افراطی و خشونتگر توسط مدارس دینی و برخی امامان مساجد ارتباط دارد. ولی خشونت علیه زن بهر دلیلی و در هر سطحی که باشد، قابل نکوهش و نفرین و مجازات میباشد.
۵. رسانه ها میتوانند با تبلیغ احترام به زن و حقوق زن نقش مثبتی در کم شدن خشونت علیه زنان بازی کنند. آنچه امروز رسانه ها به ندرت به آن میپردازند.
۶. زنان می توانند از طریق همبستگی و مبارزه آگاهانه به برابری و آزادی نایل گردند.
۷. سمینار بر ضرورت همبستگی میان حرکت های برابری طلبانه زنان داخل و خارج کشور تأکید میکند.

(ختم)